



نگاه به کتاب

«المفصل فی تاریخ النجف الاشرف»

محمد علی نجفی - عظیم عابدینی

اهتمام مسلمانان به علم رجال و تراجم

با ظهور دین مبین اسلام، علوم و فنون رشد بسیاری یافت؛ به گونه‌ای که از جهاتی می‌توان تمدن بزرگ اسلامی را بی‌نظیرترین تمدن تاریخ بشر تاکنون دانست. از جمله علمی که در تمدن اسلامی رشد و ترقی بسیار یافت و هزاران جلد کتاب در زیرمجموعه آن نگاشته شد، علم تراجم و شرح حال نویسی است که پیش از هر چیز مدیون سیره نویسی و علم رجال است؛ تا جایی که علم تراجم از جهتی فرع بر علم تاریخ و از جنبه‌ای فرع بر علم سیره و رجال است. تنوع بسیار در زمینه تراجم نگاری تا بدان جاست که علاوه بر شرح حال‌های عام،

موارد بسیاری از شرح حال نویسی های خاص و تک‌نگاشته پیرامون افراد خاص، خاندان‌های علمی، شخصیت‌های یک مذهب یا نژاد یا یک منطقه و... ایجاد شده‌اند. از مشهورترین کتاب‌هایی که درباره شهرهای اسلامی نوشته شده، می‌توان «تاریخ بغداد» خطیب بغدادی و «تاریخ دمشق» ابن عساکر را (که مجموعه‌ای فراتر از هشتاد جلد کتاب را در بر می‌گیرد) یاد نمود. کتاب‌هایی که علاوه بر بیان تاریخ و جغرافیا و حوادث آن مناطق، به شرح حال دانشمندان بغدادی و دمشقی و حتی دانشمندان دیگر مناطقی که با بغداد و دمشق به گونه‌ای مرتبط بوده‌اند پرداخته است.

حجم وسیع و چندگونگی مطالب این گونه آثار باعث می‌شود که بتوان آن‌ها را یک موسوعه و دایره‌المعارف تاریخی، رجالی و تراجمی نام نهاد. ایرانیان نیز در این زمینه‌ها کارنامه درخشانی دارند و تألیفات و تصنیفات بسیاری در این محدوده پدید آورده‌اند. به‌ویژه شیعیان از همان روزگاری که در اقلیت بودند و مانند امروز جمعیت و قدرت چندانی نداشتند، تا زمان کنونی، برای ثبت یاد و نام بزرگان و مشاهیر خود، آثاری را در این زمینه‌ها پدید آورده‌اند که می‌توان مواردی چون «طبقات الشیعه»، «نامه دانشوران ناصری»، «طبقات اعلام الشیعه»، «اعیان الشیعه»، «آثار الشیعة الامامیه» و «الذریعه إلی تصانیف الشیعه» را که بزرگان تشیع و آثارشان را به خوانندگان معرفی می‌کنند، برشمرد. نمونه‌های فراوانی از این دست آثار در «مصنّفی المقال» مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی و نیز کتاب رشک انگیز «الذریعه» ایشان معرفی شده است.

◆
شیعیان در زمینه تراجم نویسی و شرح حال‌نگاری پیشینه‌ای درخشان دارند. اما یکی از موارد و مصادیق تراجم‌نگاری که مختص شیعیان است، نگارش آثاری پیرامون مشاهد مشرفه و عتبات مقدس شیعه است که می‌توان از آن به «مشهدنگاری» تعبیر نمود.

مشهد نگاری

گفته شد که شیعیان در زمینه تراجم نویسی و شرح حال نگاری پیشینه‌ای درخشان دارند. اما یکی از موارد و مصادیق تراجم نگاری که مختص شیعیان است، نگارش آثاری پیرامون مشاهد مشرفه و عتبات مقدس شیعه است که می‌توان از آن به «مشهدنگاری» تعبیر نمود. آشکار است که از روزگاران گذشته، و از راه‌های گوناگون، آثاری در زمینه مشاهد و شهرهای مقدس شیعه نوشته شده که علاوه بر بیان سیر تاریخی و تطور مزار ائمه و امامزادگان علیهم‌السلام به بیان شرح حال مشاهیر برخاسته از آن‌جا نیز پرداخته‌اند. همچنین از این جهت که اغلب اوقات حوزه‌های علمیه شیعه در کنار عتبات مقدس اولیای دین بوده، به بیان مشاهیری از شیعه که در این شهرها درس خوانده یا عهده‌دار مرجعیت دینی مردم بوده‌اند پرداخته شده است. دیگر این که دفن در عتبات مقدس برای شیعیان اولویت داشته؛ لذا مشاهیر تشیع معمولاً در مزارات مدفونند و در مشهدنگاری‌ها به این موضوع نیز پرداخته می‌شود. نجف اشرف بارگاه مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است که علاوه بر قداست ذاتی آن مکان، به سبب وجود حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف که شیخ الطائفه طوسی رحمته‌الله آن را بنیان نهاده و دفن علمای ابرار در این حرم، نزد شیعه دارای قداست و ارزش ویژه است.

درباره نجف اشرف آثار بسیاری نوشته شده؛ به‌ویژه در این اواخر کتاب‌های ارزنده‌ای چون «شعراء النجفی»، «ماضی النجف و حاضرها»، «تاریخ النجف الاشرف» و «موسوعة النجف الاشرف» به عالم کتاب هدیه شده است. اما یکی از مفصل‌ترین و بهترین آثاری که اخیراً سرانجام یافته، موسوعه و دایرة المعارفی به نام «المفصل» است که در این نوشتار نگاهی گذرا بدان خواهیم داشت.

معرفی کتاب «المفصل»

کتاب «المفصل فی تاریخ النجف الاشرف» پیرامون شهر مقدس نجف و رجال و مشاهیر مرتبط با این شهر می‌باشد که در ۳۴ جلد و بیش از ۱۲ هزار صفحه منتشر شده است. نویسنده این اثر «دکتر حسن عیسی الحکیم» از ادبا و شخصیت‌های تاریخ‌دان و شرح‌حال‌نویس عراقی است. این اثر که در نوع خود از حیث کمیت بی‌نظیر است و از حیث کیفیت نیز در رده نسبتاً

خوبی قرار دارد، علاوه بر علاقه‌مندان به تاریخ و تراجم، برای زوّار عتبات عالیات و همچنین روحانیون کاروان‌های زیارتی نیز اثری مفید است. البته این به معنای خالی بودن موسوعه المفصل از نقص نیست؛ اما از این حیث که کارهای وسیع و حجیم، خواه ناخواه خالی از اشتباه نیستند و با توجه به معیار محمدخان قزوینی در ارزیابی لغتنامه دهخدا، می‌توان نمره قابل قبولی به المفصل داد. در این جا برای روشن شدن آشنایی خوانندگان با این موسوعه تراجمی، در چند بخش، تصویری از این اثر ارائه می‌گردد.

◆ در باره نجف اشرف آثار بسیاری نوشته شده؛ به‌ویژه در این اواخر کتاب‌های ارزنده‌ای چون «شعراء الغری»، «ماضی النجف و حاضرها»، «تاریخ النجف الاشرف» و «موسوعه النجف الاشرف» به عالم کتاب هدیه شده است. اما یکی از مفصل‌ترین و بهترین آثاری که اخیراً سرانجام یافته، موسوعه و دایرة المعارفی به نام «المفصل» است.

جلد اول تا دهم المفصل

◆ مؤلف کتابش را به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هدیه نموده است. جلد اول کتاب در سال ۱۴۲۷ قمری و آخرین مجلد ۶ سال بعد یعنی سال ۱۴۳۳ چاپ شده است. ناشر کتاب «المکتبة الحیدریه» قم است. نویسنده در مقدمه جلد اول می‌نویسد در تحقیقی که پیرامون شیخ طوسی و برخی بزرگان حوزه نجف انجام دادم، عزمم جزم شد تا درباره نجف و بزرگان آن اثری خلق کنم و البته پیش از اتمام کار، پژوهش‌های تک‌نگارانه‌ای پیرامون برخی قضایای مرتبط با نجف و بزرگان نجف انجام دادم و چاپ شد. به طور میانگین هر جلد از این اثر در حدود ۴۰۰ صفحه است و مؤلف از منابع متعددی، اعم از مطبوع و مخطوط برای اثر خود استفاده برده است و در مواردی هم بر شنیده‌ها و مشاهدات خود تکیه کرده است.

این اثر که در نوع خود از حیث کمیت بی‌نظیر است و از حیث کیفیت نیز در رده نسبتاً خوبی قرار دارد، علاوه بر علاقه‌مندان به تاریخ و تراجم، برای زوّار عتبات عالیات و همچنین روحانیون کاروان‌های زیارتی نیز اثری مفید است. البته این به معنای خالی بودن موسوعه المفصل از نقص نیست؛ اما از این حیث که کارهای وسیع و حجیم، خواه ناخواه خالی از اشتباه نیستند و با توجه به معیار محمدخان قزوینی در ارزیابی لغتنامه دهخدا، می‌توان نمره قابل قبولی به المفصل داد.

جلد اول مختص نجف از عصر پیش از اسلام تا انتهای عصر عثمانی است. طبیعتاً چون شهر نجف جزو شهرهای اسلامی است و به اصطلاح از محدثات است، مؤلف در ابتدای این جلد به برخی مباحث لغوی پرداخته و سپس در رابطه با جغرافیای کوفه و برخی مناطق دیگر سخن می‌گوید. نهرهای نجف، برخی جنگ‌ها و غارت‌های روی داده در این شهر، تعدادی از نشست‌های مهم این منطقه و مباحثی دیگر در این جلد بیان شده است.

جلد دوم مختص تاریخ مزار و حرم مطهر حضرت علی علیه السلام است. نویسنده در بخش اول به تاریخ بنای مرقد شریف و بخش‌های آن پرداخته و در بخش دوم به بحث زیارت می‌پردازد و زیارت ائمه علیهم السلام، امام‌زادگان، سلاطین، ملوک، امرا و گروه‌های اسلامی و عربی و بیگانگان به همراه آداب و اوقات زیارت و امور مرتبط با اداره مرقد شریف، اعم از نقابت و خدمه و خزانه‌داری از دیگر مطالب این بخش است که با بحث از دفن در روضه مطهر و اعمال خاص صحن مطهر پایان می‌پذیرد.

در جلد سوم که حجمی کمتر از مجلدات سابق دارد، مؤلف از مراقد و مقامات متبرکه نجف سخن گفته و پس از بیان مراقد انبیا و صالحین در فصل اول، مقامات ائمه و مراقد اهل بیت علیهم السلام و صحابه را یادآور شده و فصل سوم به مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و ... اختصاص دارد. فصل چهارم مختص وادی السلام، بزرگ‌ترین قبرستان جهان است. این جلد و مجلد سابق از حیث ارزش ترجمه در اولویت قرار دارند و برای زوار نجف اشرف و روحانیون کاروان‌های زیارتی مفید است.

جلد چهارم ویژه تاریخ حوزه علمیه نجف اشرف از قرن چهارم تا سده دوازدهم هجری قمری است. حوزه از عصر تأسیس، سپس دوره قانونمندی و پس از آن در بخش سوم دوره ضعف حوزه مورد بحث قرار گرفته و فصل پس از آن به دوره بازسازی حوزه نجف اشرف در قرن هشتم اختصاص دارد و در ادامه، از شکوفایی حوزه نجف اشرف در قرن نهم و پس از افول حوزه حله سخن گفته می‌شود. در قرن یازدهم نزاع سیاسی و فکری وسیعی بین دو دولت عثمانی و صفوی روی می‌دهد که باعث افزایش مهاجرت علمای شیعه به حوزه نجف اشرف شده و در همین قرن، جریان اخباری ظهور می‌کند و طبیعتاً در حوزه نجف اشرف هم اثر می‌گذارد. مؤلف در این بخش نیز به مانند فصول پیشین، به

بیان احوال مشاهیر هر عصر حوزه نجف و وضعیت علوم پرداخته و در فصل هفتم که مفصل‌ترین فصل این جلد است و به قرن دوازدهم اختصاص دارد، از غلبه اصولی‌ها بر اخباری‌ها یاد می‌شود.

جلد پنجم موسوعه با عنوان فرعی «مدرسة النجف الاشرف فی عصر التجدید» پیرامون حوزه علمیه نجف در قرن سیزدهم است. نگارنده در این جلد می‌نویسد که حوزه نجف در این عصر، به عنوان رهبر فکری جهان تشیع شناخته می‌شود. زعامت فقهی، اصولی، معرکه الخمیس، نشست بلاغی، معرکه طاعونی و قفطانی و مناسبات ادبای نجف با ادبای دیگر شهرهای عراق، همچنین شرح حال بیست تن از اعلام امامیه که تمام یا اغلب دوران نشاط علمی خود را در قرن ۱۳ گذرانده‌اند، از مباحث این مجلد است که با علامه بحرالعلوم آغاز شده و به ملا محمد ایروانی ختم می‌شود. نویسنده در این میان از سید جواد عاملی، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، میرزای قمی، شیخ احمد احسائی، ملا مهدی نراقی، شیخ حسین نجفی، شیخ حسن کاشف‌الغطاء، صاحب جواهر، محمدجواد ملا کتاب، شیخ انصاری، ملا علی خلیلی، سید حسین کوهکمری، سید مهدی قزوینی و... سخن می‌گوید.

نیمه دوم کتاب به خاندان‌های علمی مشهور نجف اختصاص دارد. خاندان‌هایی چون: ازری، اعسم، امین، انصاری، بحرالعلوم، بلاغی، جزایری، جواهری، حسانی، جصانی، حکیم، حلو، حویزی، حیدری، خاقانی، خراسان، خلیلی، خنفر، زین، شراره، شرقی و...

◆ در جلد سوم که حجمی کمتر از مجلدات سابق دارد، مؤلف از مر اقد و مقامات متبرکه نجف سخن گفته و پس از بیان مر اقد انبیا و صالحین در فصل اول، مقامات ائمه و مر اقد اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه را یادآور شده و فصل سوم به مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و... اختصاص دارد. فصل چهارم مختص وادی‌السلام، بزرگ‌ترین قبرستان جهان است.

◆ جلد پنجم موسوعه با عنوان فرعی «مدرسه النجف الاشرف فی عصر التجدید» پیرامون حوزه علمیه نجف در قرن سیزدهم است. نگارنده در این جلد می‌نویسد که حوزه نجف در این عصر، به عنوان رهبر فکری جهان تشیع شناخته می‌شود. زعامت فقهی، اصولی، معرکه الخمیس، نشست بلاغی، معرکه طاعونی و قفطانی و مناسبات ادبای نجف با ادبای دیگر شهرهای عراق، همچنین شرح حال بیست تن از اعلام امامیه که تمام یا اغلب دوران نشاط علمی خود را در قرن ۱۳ گذرانده‌اند، از مباحث این مجلد است.

جلد ششم بیشتر ادامه مبحث ناتمام جلد ۵ است و به خاندان‌های علمی نجفی یا ساکن نجف اختصاص دارد و در نیمه دوم این جلد، از بزرگان سادات و غیر سادات سخن گفته می‌شود. خاندان‌های عاملی، طریحی، طالقانی، فتونی، فحام، قزوینی، کاشف الغطاء، محی‌الدین، مشکور، مغنیه، مظفر، آل یاسین، ملا کتاب، بهبهانی و... به همراه سادات علوی که به رضوی، موسوی، حسنی و حسینی مشهورند و به یک خاندان منتسب نگشته‌اند و نیز افرادی که به نجفی و غروی و مشهدی معروف شده‌اند، ولی از شهرهای دیگر به نجف آمده‌اند و نجفی نیستند، در این جلد به صورت مختصر و مفید معرفی شده‌اند. این جلد به همراه جلد پیشین، از بهترین مجلدات موسوعه المفصل قلمداد می‌گردد.

نویسنده در جلد هفتم وارد قرن ۱۴ قمری می‌شود و پس از بیان مطالبی پیرامون اخباری‌گرایی و اجتهاد محوری و اموری در رابطه با منبر و شعر و ادب تعدادی از شعرا، وارد بحث مرجعیت در این دوران طلایی حوزه نجف می‌شود که به ترتیب تاریخ وفات از میرزای رشتی (متوفای ۱۳۱۲ق) آغاز نموده و با سید مهدی شیرازی (متوفای ۱۳۸۰ق) ختم شده است. شرح حال مراجعی چون محمدحسن مامقانی، میرزا حسین خلیلی، آخوند خراسانی، سید مهدی حیدری، سید کاظم یزدی، میرزای نائینی، آقاضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، تعدادی از مشاهیر خاندان کاشف الغطاء و... در این بخش آمده است. مؤلف می‌نویسد که حوزه نجف در این عصر وارد دوره جدیدی می‌شود.

در جلد هشتم نویسنده پس از یک مقدمه و بیان رابطه نجف با حکومت عصر، از مراجع شیعه در دوران معاصر سخن می‌گوید و به طور خاص به مرجعیت شیعه در آخرین دهه هزاره دوم میلادی یعنی ۲۰۰۰-۱۹۹۰ پرداخته و بیشترین مباحث این جلد مختص همین موضوع است. البته از بیان مطالبی که پس از سال ۲۰۰۰ روی داده نیز پرهیزی ندارد. حضرات آیات: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، شیخ عبدالکریم زنجانی، سید ابوالقاسم خوئی، امام خمینی، شهید صدر، سیدعلی سیستانی، سید محمد سعید حکیم، شیخ بشیر نجفی و عده‌ای دیگر، از کسانی‌اند که در این جلد گزارشی از شرح حال علمی، سیاسی و اجتماعی‌شان ارائه شده است.

در جلد نهم باز هم به بزرگان و مشاهیر حوزوی نجف می‌پردازد و از بزرگان اواخر قرن ۱۹ میلادی و ابتدای قرن بیستم در بخش اول این جلد سخن گفته و در بخش دوم از مشاهیر

تشیع نجف در فاصله ۱۹۱۴-۱۹۰۰ و در بخش سوم علمای نجف از ۱۹۲۰-۱۹۱۴ و در بخش پایانی، از بزرگان تشیع در فاصله زمانی ۱۹۵۸-۱۹۲۱ یاد می‌کند. برخی احوالات سید محمد فشارکی، محدث نوری، شیخ محمود ذهب، سید سعید جبوی، محمدعلی چهاردهی، محمدعلی شاه‌العظیمی، علامه بلاغی، اسدالله زنجانی، سید حسن صدر، محمدرضا اصفهانی، محمد حرزالدین، سید حسین قمی، شیخ جعفر نقدی، سید محسن امین عاملی، سید جمال گلپایگانی و عده‌ای دیگر را در این جلد می‌توان خواند.

در جلد دهم مؤلف به مشاهیر نجف اشرف در فاصله زمانی سال ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۰ میلادی می‌پردازد و استدراک مختصری هم در این مجلد وجود دارد که ۲۲ شخصیت را معرفی نموده که شرح حال آنها نیامده بود. محمدعلی اردوبادی، محمدرضا مظفر، هبه‌الدین شهرستانی، آقابزرگ تهرانی، عبدالرزاق مفرم، سیدجمال گلپایگانی، سید حسن خراسان، مرتضی فیروزآبادی، جعفر بحر العلوم، سید یوسف حکیم، عبدالحسین مظفر، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و سید محمد تقی حکیم برخی از افراد معرفی شده در این مجلد هستند.

جلد یازده تا بیست

مؤلف المفصل در جلد یازدهم موسوعه خود، از ارتباطات حوزه نجف اشرف با حوزه‌های علمیه دیگر مناطق عراق (بغداد، کربلا، کاظمین، سماوه، کوت، حله، دیوانیه، موصل و...) سخن گفته و خاندان‌های علمی مناطق عراق، چون فرطوسی، حولوی، جمال‌الدین، مظفر، حلوی، سودانی، طریحی، صافی، محفوظ، کاظمی و برخی بزرگان آنان را یاد کرده است. البته ناگفته نماند که این ارتباطات در این مجلد به ارتباطات دوران معاصر حوزه‌ها مربوط است و به ارتباط‌های سده‌های گذشته نمی‌پردازد.

جلد دوازدهم به گونه‌ای ادامه جلد یازدهم است و به ارتباطات حوزه علمیه نجف با حوزه دیگر سرزمین‌های عربی اسلامی چون مصر، شام، شرق عربستان و بحرین پرداخته است. نویسنده در نیمه دوم این جلد به واکنش حوزه نجف به تحولات و حوادث جهان اسلام، از جمله تأیید مشروطه عثمانی، پشتیبانی از مشروطه ایران، دفاع از حرکت‌های ضد استعماری و حمایت از ایران، تونس، فلسطین، لیبی، مصر و الجزایر و... پرداخته است.

در جلد سیزدهم نیز همین موضوع یعنی ارتباط حوزه نجف با یکی دیگر از مناطق مهم اسلامی، یعنی ایران را به شکلی جالب ادامه می‌دهد. در قسمت‌هایی از این موسوعه، گویی تعصب عربی مؤلف را فرا گرفته و وی از خلیج همواره فارس با عنوان جعلی الخلیج ا.ل.ع.ر.ب.ی یاد می‌کند (مثلاً در جلد ۱۲، ص ۳۱۴) که شایسته بود وزارت ارشاد، از این کار جلوگیری کند. این جلد اگرچه عنوان فرعی «صلوات النجف الاشرف بالحوزات العلمیه فی العالم الاسلامی» را داراست و به حوزه‌های افغانستان، پاکستان و هند و مشاهیر این نواحی می‌پردازد، ولی بیش از همه به بیان علمای ایرانی برجسته‌ای که در نجف تحصیل کرده یا در این مکان ساکن شده و مدفون گشته‌اند، اختصاص دارد. مؤلف در ۲۲ بخش به بزرگان امامیه ایرانی تبار پرداخته و هر بخش را به یک یا چند منطقه از ایران اختصاص داده و مبسوط‌ترین بخش به علما و مشاهیر قم مربوط است. کاری که نویسنده در این جلد انجام داده، حتی توسط اغلب نویسندگان مناطق ایران نیز انجام نگرفته است.

جلد چهاردهم با عنوان ثانوی و فرعی «المجالس و النوادی العلمیه و الادبیه» از مجالس و نشست‌های علمی و ادبی خاندان‌های علمی نجف سخن گفته است. می‌دانیم که نقل مجالس نجف، حتی مجالس ختم و محافل عزا، بحث علمی و انشاد و انشای شعر بوده است و یکی از دلایل این امر - به تعبیر استاد ما آیت‌الله جوادی آملی، به نقل از آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی - غیر همزبان بودن اغلب ساکنان حوزه نجف اشرف با مردم شهر نجف می‌باشد؛ برعکس حوزه علمیه بزرگ قم که اغلب حوزویان، همزبان مردمان قم‌اند و همین همزبانی، از امور کاهنده مجالس و مباحث علمی است. کتاب با مجلس مشهور و معروف میرزا مهدی خراسانی (فرزند بزرگ آخوند خراسانی) آغاز می‌شود و از مجالسی چون بحرالعلوم، جمال‌الدین، حکیم، خاقانی، آل صافی، خلیلی، آل طالقانی، آل قزوینی، آل محی‌الدین و آل یاسین یاد شده و برخی ماجراهای جالب این مجالس هم بیان می‌شود. در اواخر کتاب نیز شرح حال ۲۵ شاعر که مؤلف به مجالس خاص آنان دست نیافته، آمده است.

جلد پانزدهم استمرار و ادامه مباحث جلد ۱۴ است و به نشست‌های ادبی و علمی که بین ادبا و فرهیختگان عراقی برپا می‌شده، اختصاص دارد و از گروه متجددین و نوگرایان در برابر سنت‌گرایان یاد شده و نشان داده است که اینان نیز به مانند نوگرایان و سنت‌خواهان ایرانی که از قرن‌ها پیش در زمینه تجدد در عرصه شعر و ادب، سبک‌های جدید و بحث‌مکتب



بازگشت تا زمان مشروطه و پس از آن که شعر نو، آزاد و سپید و بازی‌های دیگر رایج می‌شود غالباً اصطکاک داشته‌اند. گروه‌های ادبی که نشست داشته‌اند، باز هم مانند ایرانیان، ولی با دامنه‌ای وسیع‌تر در محافل چون قهوه‌خانه‌ها، منازل، مدارس علمی و دانشگاهی، صحن مطهر علوی، مجالس عزای بزرگان و دیگر جاهای معمولی و خاص به داد و ستد علمی و ادبی می‌پرداخته‌اند. مناسبت‌های ایجاد کننده این نشست‌ها گاه جالب و بعضاً مضحک است؛ مثلاً بازگشت یک مسافر یا آمدن یک مهمان، دزدی از منزل یک شخص، تهمت ادبی به یک فرد، مسابقه جواب یا استقبال یا تخمیس اشعار دیگران و در زمینه‌ها و موضوعات گوناگونی چون ادبی، دینی، اجتماعی و...

قرن ۱۲ تا ۱۴ قمری از درخشان‌ترین ادوار ادب و شعر تشیع و عراق است. در این روزگار شاعرانی پدید آمدند که هم طراز و گاه برتر از بزرگ‌ترین شعرای تمام تاریخ شعر عرب بوده‌اند؛ اما به تعبیر علامه امین عاملی اینان به علت تأخر زمانی، کمتر مورد توجه بوده‌اند و گویی قدیمی بودن و در جمله اسلاف قرار داشتن - که به خودی خود، مزیت و حسن نیست - یک مزیت است که به این شاعران برجسته توجه وافى و کافی نمی‌شود:

در سخن از عرفی و طالب ندارد کوتاهی

عیب صائب این بُود کز جمله اسلاف نیست

نویسنده در بخش‌هایی از این جلد، علاوه بر بیان نشست‌های شعرای نجفی، به نشست‌های مشترکی که ادبای نجف با ادبای دیگر شهرهای عراق و حتی با ادبای

نویسنده در بخش‌هایی از این جلد، علاوه بر بیان نشست‌های شعرای نجفی، به نشست‌های مشترکی که ادبای نجف با ادبای دیگر شهرهای عراق و حتی با ادبای دیگر کشورها - از جمله لبنان و مصر - داشته‌اند اشاره کرده و در بخشی هم به مساجلات و رد و ابرام‌های طرفینی که میان ادبا و شعرا با هم، یا با فقها و علما درگرفته می‌پردازد.



دیگر کشورها - از جمله لبنان و مصر - داشته‌اند اشاره کرده و در بخشی هم به مساجلات و ردّ و ابرام‌های طرفینی که میان ادبا و شعرا با هم، یا با فقها و علما در گرفته می‌پردازد و در این بخش که از خواندنی‌ترین قسمت‌های کتاب است، نزدیک به صد نمونه را بیان می‌کند. این مباحث ادیبانه نشانگر وسعت فوق‌العاده مباحث ادبی و شعری در مجامع و رده‌های گوناگون طبقات جامعه خاص و عام نجف و عراق است و توانایی آنان در بداهه‌پردازی و خلق ظرافت‌های ادیبانه را نمایش می‌دهد.

نویسنده در جلد شانزدهم دایرة المعارف خود، به نهادهای آموزشی و تربیتی نجف می‌پردازد و در محور اول به بحث از مدارس حوزوی و در محور دوم به مجالس و عظ و خطابه پرداخته و محور سوم را به نهادهای آموزشی جدید اختصاص داده و در پایان، از دانشگاه و مراکز آموزش عالی سخن می‌گوید. در بخش اول ۶۲ مدرسه و نهاد حوزوی با ذکر مؤسسين و برخی اساتید و شاگردان معرفی شده که البته جا داشت مفصل‌تر بیان شوند. در محور دوم که مفصل‌ترین بخش کتاب است، بسیاری از خطیبان و واعظان معرفی شده‌اند که شرح حال اغلب آنان مختصر و برخی (همچون شیخ محمدعلی یعقوبی) بسیار مفصل بیان شده است. البته برخی که در این بخش به عنوان خطیب و واعظ معرفی شده‌اند، اساساً واعظ و خطیب نبوده‌اند. در انتهای این بخش هم از برخی واعظ و خطبای زن، مانند ملا وحیده نام برده شده است.

جلد هفدهم مختص تاریخ روزنامه‌نگاری در نجف و شرح حال مشاهیر روزنامه‌نگاری نجف است. می‌دانیم که اوج دوران روزنامه‌نگاری نجف، به زمان مشروطه و با پشتیبانی امثال آخوند خراسانی بوده است. در این جلد از مجلات و روزنامه‌های مشهور قرن بیستم نجف همچون الغری، النجف الاشرف، درة النجف، العلم و... که به فارسی یا عربی منتشر شده‌اند، یاد شده و از نویسندگان عرصه روزنامه‌نگاری نجف و مشاهیری چون هبة الدین شهرستانی، جعفر الخلیلی، مهدی الجواهری و... یاد شده و از افرادی چون ملا محمد محلاتی که در تکوین امر روزنامه‌نگاری نجف بسیار مؤثر بوده‌اند، به اختصار یاد شده و برخی گمنامان با تفصیل بسیار بیشتر معرفی شده‌اند.

احوال گروه‌ها و مؤسسات علمی، ادبی و اجتماعی نجف در قرن بیستم را در مجلد هجدهم المفضل باید جست. این جلد با جمعیت اخوان الصفا آغاز شده و بیان می‌شود که عده‌ای از روشن‌فکران آن را بنا نهادند. برخی از گروه‌های معرفی شده در این بخش، سیاسی و برخی علمی یا ادبی یا فرهنگی و بسیاری مذهبی و در مواردی مختلط بوده‌اند. نادى الغری، جمعیة التحریر الثقافی، جمعیة القرآن الکریم، هیئة الشعراء الحسینین، اتحاد النساء، جمعیة المؤرخین از جمله این جمعیت‌ها هستند و در مواردی انسان را به یاد گروه‌های ربه و خمسه و سبعة ایران می‌اندازند. در پایان این جلد به برخی گروه‌ها و ادارات دهه اول سده کنونی هم اشاره شده است.

احمد امین مصری کسی است که تهمت‌های دروغ بسیاری را در کتاب‌های خویش نثار شیعه نموده است. زمانی که وی به نجف اشرف آمد، علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء به وی اعتراض کرد که نوشته‌های کتاب‌های تو اغلب دروغ و بی‌سند است. احمد امین در جواب گفت: من آن مطالب را شنیده بودم؛ به علاوه دسترسی به آثار شیعه نداشتم! مرحوم کاشف الغطاء در جواب ایشان فرمود: «اولا این عذر بدتر از گناه است و نقل هر شنیدنی که صحیح نیست؛ به علاوه شهر کوچکی چون نجف پر از کتابخانه است؛ چگونه قاهره که داعیه ام القرائی جهان اسلام را دارد، دچار فقر کتاب باشد؟!». خلاصه این که نجف از گذشته‌های دور کتابخانه‌های بسیاری داشته و این حقیقتی آشکار است.

احمد امین مصری کسی است که تهمت‌های دروغ بسیاری را در کتاب‌های خویش نثار شیعه نموده است. زمانی که وی به نجف اشرف آمد، علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء به وی اعتراض کرد که نوشته‌های کتاب‌های تو اغلب دروغ و بی‌سند است. احمد امین در جواب گفت: من آن مطالب را شنیده بودم؛ به علاوه دسترسی به آثار شیعه نداشتم! مرحوم کاشف الغطاء در جواب ایشان فرمود: «اولا این عذر بدتر از گناه است و نقل هر شنیدنی که صحیح نیست؛ به علاوه شهر کوچکی چون نجف پر از کتابخانه است؛ چگونه قاهره که داعیه ام القرائی جهان اسلام را دارد، دچار فقر کتاب باشد؟!».



جلد ۱۹ المفصل مختص کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نجف و امور انتشارات و چاپخانه‌های این شهر مقدس می‌باشد. بخش کتابخانه‌ها در سه قسمت عمومی، خصوصی و تجاری آورده شده و کتابخانه‌های حرم مطهر، آقابزرگ تهرانی، علامه امینی، کاشف الغطاء، حسینیه شوشتری‌ها، شیخ محمد سماوی و... به همراه کتاب‌ها و نسخه‌های نفیس آن‌ها در این بخش معرفی شده و از کتابخانه‌های خصوصی بسیاری که اغلب آن‌ها از بین رفته‌اند نیز نام برده شده و از انتشاراتی‌های مهم نجف هم یاد شده است. بر اهل فن پوشیده نیست که در کنار قم، تهران و بیروت، باید از نجف به عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز چاپ و انتشار آثار امامیه سخن گفت.

جلد بیستم مربوط به تاریخ سیاسی و عقیدتی شهر نجف است. نویسنده معتقد است که فرو رفتن نجف در قضایای سیاسی، از اواخر قرن ۱۹ میلادی بوده است. مطالب این جلد در هفت فصل بیان می‌شود که برای هر فصل می‌توان کتابی جداگانه نوشت. فصل پنجم به مشروطه ایران پرداخته است که نویسنده با اختصار بسیار از آن عبور می‌کند و شاید یکی از دلایل این امر، کمبود آثار مستقل و مبسوط عربی پیرامون مشروطه است.

جلد بیست‌ویک به بعد

نجف پس از مشروطه و پیش از انقلاب فراگیر ضد استعماری ۱۹۲۰م که به «ثورة العشرين» معروف است، حوادث بسیاری را پشت سر می‌گذراند. در جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط متجاوزان انگلیسی، اصلی‌ترین رهبران جهادی علمای نجف بودند و در همین روزگار محاصره نجف روی می‌دهد که می‌توان گزارشی از آن را در کتاب «سیاحت شرق» آقاجنقی قوچانی خواند. مدتی بعد یعنی در سال ۱۹۱۸م عده‌ای تصمیم به انقلاب می‌گیرند و مؤلف این جلد را به همین انقلاب و علل خیزش و عوامل رکود و افول و بیان نتایج و ارکان انقلاب اختصاص داده و در جلد بعدی که بیشتر رنگ‌وبوی سیاست به خود گرفته، اصلی‌ترین حادثه برای عراقی‌ها در نیمه اول قرن بیستم میلادی یعنی «ثورة العشرين» تشریح می‌گردد. نویسنده برای این جلد عنوان «رهبری نجف در انقلاب ۱۹۲۰» را برگزیده که تقریباً عنوان صحیحی است. توضیح این که رهبران اصلی این انقلاب سه تن بودند و سید کاظم یزدی با روحیه عزلت‌مآبانه، چندان در امر انقلاب وارد نمی‌شود و میرزای شیرازی دوم بار زعامت را بر دوش می‌کشد و یک سال پس از فوت یزدی، وی نیز در سال ۱۳۳۸ق درمی‌گذرد یا

به گفته برخی بزرگان چون آیت‌الله بهجت وی را مسموم و شهید می‌کنند. پس از وی شیخ الشریعه اصفهانی رهبر انقلاب عشرين است. میرزای شیرازی دوم با آنکه در کربلا بود رابطانی نجفی چون میرزا احمد کفائی، فرزند بزرگوار مرحوم آخوند خراسانی را برای آگاهی از قضایای سیاسی داشته که بدان‌ها اعتماد تام داشته است.

مجلد بعدی المفصل به ۴ دهه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق پس از ثوره عشرين می‌پردازد که عراقی‌ها میان استعمار و سلطنت در دورانند، تا این که در سال ۱۹۵۸م نظامیان کودتا کرده و بحث ریاست جمهوری و رئیس‌الوزرای روی داده و اسامی افراد منحوسی چون عبدالکریم قاسم، عبدالسلام عارف، عبدالرحمن عارف، احمد حسن البکر و صدام تکریتی بر زبان‌ها می‌افتد. جلد ۲۴ حوادث سیاسی ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۰ را در بر گرفته و از مجاهدت علمای دینی شیعه و بزرگانی چون آیت‌الله خویی، شهید صدر، آیت‌الله سیستانی و شهید سیدمحمد محمد صادق صدر یاد می‌کند و به‌ویژه فصل چهارم این مجلد، مربوط به انتفاضه ۱۹۹۱ نجف اشرف است.

خواندن این جلد غمی جانکاه به دل آدمی وارد می‌کند و اشک‌ها را جاری ساخته و لاجرم لب و زبان انسان به لعن بدخواهان تشیع و اسلام گشوده می‌شود.

مفصل‌ترین بخش این جلد، بخش ششم است که از ۱۰۹ شخصیت موثر سیاسی عراق این روزگار سخن می‌گوید. در جلد بعدی مؤلف به مؤسسات اداری، قضایی، امنیتی و نظامی نجف و شهرهای جدید و تقسیم‌بندی کشور می‌پردازد؛ مؤسساتی که عمده آنان از زمان اواخر عهد عثمانی تا زمان اشغال عراق و پس از آن ایجاد شده.

با این‌که بسیاری از اهالی کربلا و نجف ریشه و اصالتی ایرانی دارند، ولی به هر حال به رنگ اعراب درآمده‌اند و نجف یک جامعه عرب شیعی را تشکیل داده که ویژگی‌های خود را دارد. طبیعت این جامعه، پوشش و منش آنان، لهجه‌های نجفی‌ها، عشایر نجف، شعائر و مناسبات، شادی و غم نجفی‌ها را در این جلد می‌توان مطالعه کرد.

روشن است که مؤلف کار را قدم به قدم پیش برده و خود نیز نمی‌دانسته در جلد‌های آینده رشته بحث به کجا خواهد کشید. یعنی اگر از ابتدا منظومه فکری طرح خویش را ترسیم می‌کرد، کتاب وی هم از بی‌نظمی و تکرارهای بی‌جا مبرا می‌گشت و هم چینش و دایره بحث‌ها منقح‌تر و زیباتر می‌شد.



جلد ۲۶ به حیات اقتصادی و تجاری نجف اختصاص دارد و در جلد بعد، مؤلف به جامعه نجف و ویژگی‌های آن می‌پردازد.

با این که بسیاری از اهالی کربلا و نجف ریشه و اصالتی ایرانی دارند، ولی به هر حال به رنگ اعراب درآمده‌اند و نجف یک جامعه عرب شیعی را تشکیل داده که ویژگی‌های خود را دارد. طبیعت این جامعه، پوشش و منش آنان، لهجه‌های نجفی‌ها، عشایر نجف، شعائر و مناسبات، شادی و غم نجفی‌ها را در این جلد می‌توان مطالعه کرد.

مؤلف هر چه بحث را ادامه می‌دهد، گویا آفاق جدیدی در مقابل خود باز می‌بیند و میلش به ادامه کار بیشتر می‌شود؛ لذا ۴ جلد بعدی یعنی از جلد ۲۸ تا ۳۱ را به دیدگاه شاعران، مورخان و پژوهشگران درباره نجف اختصاص داده و در آثار منظوم و منثور نویسندگان و شاعران نجفی و غیر نجفی به دنبال یافتن یادکرد نجف و نجفی‌هاست.

جلد ۳۲ به بزرگان فکر و ادب و دانش در نجف قرن بیستم مربوط است. کسانی که یا در مجلدات سابق نام برده نشده‌اند یا در این جلد برای یکدست شدن آنان، به صورت مختصر معرفی شده‌اند. این جلد از حرف الف تا جیم را در بر گرفته است. دو جلد بعد نیز فهرست این موسوعه است. البته مؤلف وعده داده است که مستدرکی بر این کتاب خواهد نوشت. هدف از این مقاله معرفی اجمالی این اثر بود و درصدد بیان تمام محاسن آن و برشمردن معایبی چون اغلاط املائی متعدد، تاریخ‌های غلط، تکرارهای ملالت‌آور و امور دیگر نبودیم.

روشن است که مؤلف کار را قدم به قدم پیش برده و خود نیز نمی‌دانسته در جلدهای آینده رشته بحث به کجا خواهد کشید. یعنی اگر از ابتدا منظومه فکری طرح خویش را ترسیم می‌کرد، کتاب وی هم از بی‌نظمی و تکرارهای بی‌جا مبرا می‌گشت و هم چینش و دایره بحث‌ها منقح‌تر و زیباتر می‌شد. در عین حال باید از وی به سبب زحماتی که برای نگارش این موسوعه ارزنده کشیده، تشکر و قدردانی نمود و امیدوار باشیم در مورد سایر شهرهای مقدس و عتبات عالیات نیز آثاری مشابه و با کیفیت بهتر نگاشته شود.